



## امتحان برای یادگیری یا...!!!

ارزشیابی آموزشی را انجام داد. به نظر می‌رسد که برخی از معلمان، مدیران و برنامه‌ریزان، در قالب امتحان اهداف دیگری را از ارزشیابی آموزشی دنبال می‌کنند. برخی از معلمان یا مدارس در امتحان و آزمون، حذف افراد را دنبال می‌کنند و از ابتدای سال تحصیلی به دانش‌آموزان می‌گویند که اگر نمره‌ای کمتر از نمره مد نظر ما بیاورید، آخر سال از مدرسه اخراج می‌شوید. در این مدارس، ارزشیابی آموزشی چوبی است که از آن برای تهدید و تنبیه استفاده می‌شود. به خاطر می‌آورم که یکی از استادان ریاضی دانشگاهی که در آنجا تدریس می‌کردم، در هر ترم نود درصد دانشجویان را می‌انداخت. فارغ از اینکه تعداد دانشجویان یا قابلیت‌های آن‌ها چقدر بود، این میزانی بود که او در هر ترم مراعات می‌کرد؛ گویی امتحان برای اثبات

امتحان و آزمون به اشکال مختلف آن، جزء جدایی‌ناپذیر نظام آموزشی رسمی ماست. امتحان معمولاً با چند هدف انجام می‌گیرد؛ هدف از امتحان می‌تواند تعیین نقاط ضعف و قوت دانش‌آموز باشد یا اهمیت مباحث درسی را به دانش‌آموز نشان دهد یا مشخص‌کننده ارتقای دانش‌آموزان و گذر آن‌ها از مرحله‌ای به مرحله دیگر باشد یا اینکه دانش‌آموز را به مطالعه ترغیب کند. امتحان به صورت مختلف صورت می‌گیرد؛ از حیث شکل می‌تواند چندگزینه‌ای، تشریحی، عملی و ... باشد. از حیث زمان می‌توان آن را به نهایی یا میانی تقسیم کرد. همچنین، می‌تواند حالت گروهی یا انفرادی داشته باشد. امتحان یکی از اشکال ارزشیابی آموزشی است و برای ارزشیابی آموزشی و مشخص کردن میزان نیل به اهداف یک درس یا برنامه درسی، می‌توان

اقتدار و اتوریته یا عقده‌گشایی استاد انجام می‌گرفت. دکتر اکبر اعتماد، اولین رئیس سازمان انرژی اتمی، در نقد روش دکتر مجتهدی رئیس دبیرستان معروف البرز در تهران می‌گوید: «مجتهدی آدم عجیب و غریبی بود. بینش من همیشه در آموزش این است که اگر یک مدرسه یا دانشگاه خوبی مثل همان مدرسه متوسطه البرز هست، که بسیار خوب و بهترین در ایران بود، نباید به خودش اجازه بدهد که دانشجویان رد شوند. وظیفه‌اش این است که به همه دانشجویان این امکان را بدهد که قبول شوند. مجتهدی خیلی برعکس این فکر می‌کرد. یک بار جلسه‌ای داشتیم و می‌خواست دانشگاه شریف را تأسیس کند. از من و عده‌ای خواست که با او هم‌فکری کنیم. جلسه تشکیل دادیم. مجتهدی یک دفعه گفت که می‌خواهم سال اول چند هزار دانشجو بگیرم. در جلسه گفتیم که بررسی و تحقیق کرده‌ایم و حداکثر دانشجویانی که می‌توانید بگیرید ۸۰۰ نفر است. از این بیشتر دیگر معنی ندارد ... گفت که می‌خواهم چهار هزار نفر بگیرم؛ سال اول ۴۰ درصد و سال دوم ۳۰ درصد دیگر را رد کنم و در آخر به رقم شما می‌رسد.

این فلسفه رئیس دانشگاه بود که بدترین فلسفه است. برعکس، رئیس دانشگاه باید بگوید که برنامه‌ای می‌ریزم یا فعالیتی می‌کنم که این‌ها همه قبول شوند. ناراحت شدیم و خلاصه گفتیم که نمی‌شود. در جلسه او را مجبور کردیم که فکرش را کنار بگذارد و همان ۸۰۰ نفر را بگیرد.<sup>۱</sup>

اولین ترمی که در دانشگاه مالایا در مالزی تدریس می‌کردم، درس روش تحقیق را به من محول کردند. تعداد دانشجویان زیاد بود و اولین بار بود که با مفهوم تحقیق و روش‌های آن مواجه می‌شدند. ارزشیابی

درس به دو صورت انجام می‌شد؛ چهل درصد به صورت امتحان نهایی و شصت درصد به صورت انجام دادن تکالیف، که در آن دانشجویان باید یک تحقیق کوچک انجام می‌دادند. برای امتحان نهایی از هر فصل، متناسب با تمام مباحثی که تدریس کرده بودم، یک سؤال امتحان ارائه می‌کردم که عمدتاً به صورت مسئله بود و سپس از آن‌ها می‌خواستیم که در گروه‌های سه نفره، پاسخ سؤال را دریا بیاورند و سپس آن را در کلاس ارائه کنند. وقتی که دانشجویان اولین تکلیف خود را انجام دادند، من آن را خواندم و سپس از آن‌ها خواستم که جلسه‌ای به صورت انفرادی با من داشته باشند. در این جلسات، من ایراد تکلیف را به آن‌ها می‌گفتم و سپس از آن‌ها می‌خواستیم بار دیگر تکلیف خود را اصلاح کنند و به من بدهند. آن ترم بهترین ترمی بود که تدریس کردم؛ چون هدف من این بود که دانشجویان یاد بگیرند

فرصتی که به آن‌ها می‌دادم، علاوه بر اینکه امکان رسیدن به هدف من و درس را فراهم می‌کرد، باعث می‌شد که آنان درس را بدون اضطراب بگذرانند و این البته، ناشی از تعبیری بود که من از ارزشیابی داشتم، آن را در خدمت یادگیری می‌دانستم و هدف دیگری ورای یادگیری برای آن فرض نکرده بودم.

در این شماره، ارزشیابی را بررسی کرده‌ایم و علاوه بر مرور تجربه‌های بومی، گزارش‌های جهانی از آن فراهم آورده‌ایم که می‌خوانید. لازم به ذکر است به دلیل اهمیت مبحث ارزشیابی و نیز حجم مطالب، ادامه این موضوع را در شماره آینده مجله پی می‌گیریم.

#### \* پی‌نوشت

۱. نشریه نسیم بیداری، سال دهم، شماره ۸۸، بهمن ۹۷. مصاحبه با دکتر اکبر اعتماد.